

لائوری مگوایر، اما اسمیت

سی افسانه درباره‌ی شکسپیر

برگردان: سارا کاظمی منش

عنوان: نام پدیدآور: سی. افسانه دریا، ه. شکسپیر / نوشته‌ی لاتوی، میگو، اما اسمیت؛ برگردان سارا اکاظمی منش.

مشخصات ظاهري: ۳۶۴ ص: مصور:

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۸۶-۳

وضعیت فہرست نویسی: فیفا

30great myths about Shakespeare: یادداشت: عنوان اصلی:

عنوان گسترده: سی افسانه درباره ی شکسپیر

موضوع: شکسیر، ویلیام، ۱۵۶۴-۱۶۱۶م. -- نقد و تفسیر

Shakespeare, William Appreciation : موضوع

شناسه او: اسمیت، اما، ۱۹۷۰، م.

Smith, Emma (Emma Josephine) شناخته شده

شماره افروند و نظم، منشور، سارا، ۱۳۶۷-، مترجم

رقم پستی: ۹

۸۲/۳۱ ددەبەندى ۵

شماره کتابشناسی ملی ۴۷۵۴۱۰



آوند دانش

مجموعه‌ی ادبیات

سی افسانہ دربارہ ی شکسپیر

نوشتہ ہے لاٹوری مگوار، اما اسمیت

یہ بھی داری: سارا کاظمی منیر

و. ا. استا. : فاطمه ثقفی

نمونہ خوانی : طاہرہ صابغی، لایلا ملک

طراح هم افیک: استودیو آند دانش

تاریخ انتشار: تابستان: ۱۳۹۵ - چاپ اول

شماره ۱۳۰۰ : ۲۰۰۰ جلد

لستوی اف : تا ۱۰۰ مگا

حاب و صحافہ : مجتمع حاب و نسکا

شماره ناسم: ابتدای ریاسد از: خ. گل. سم. خ. ناطق. نوری. ب. بست. طلایی. ۴

بر که یخست: میدان انقلاب، خ جمال‌آده شمالی، بعد از چهارراه نصرت، کوچه دعوت، شماره ۱۳

۱۹۵۸۵/۶۷۳: صندوق

تلف: ۲۲۸۹۳۹۸۸ : نمابر: ۲۲۸۷۱۵۳۲ تلف: مرکز بخش: ۶۶۵۹۱۹۰۹

شایک: ۹۷۸۶۰۰۷۰۲۲۸۶۳

قیمت: ۱۸۵۰۰ تومان

کلیه حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است.

۱	مقدمه
۹	۱ شکسپیر محبوب ترین نویسنده در دوران خود بود
۱۹	۲ شکسپیر چندان تحصیل کرد نبود
۳۱	۳ نمایشنامه های شکسپیر باید در لباس های اربابیتی اجرا شوند
۴۳	۴ شکسپیر علاقه ای به چاپ نمایشنامه هایش نداشت
۵۷	۵ شکسپیر هرگز سفر نمی کرد
۶۷	۶ نمایشنامه های شکسپیر سیاست ستیز هستند
۷۹	۷ شکسپیر کاتولیک بود
۹۱	۸ نمایشنامه های شکسپیر صحنه سازی نداشتند
۱۰۳	۹ تراژدی های شکسپیر از کمدی های او جدی ترند
۱۱۳	۱۰ شکسپیر از همسرش متنفر بود
۱۲۳	۱۱ شکسپیر با ضرب آهنگ گفتار روزمره می نوشت
۱۳۵	۱۲ هملت به نام پسر شکسپیر نام گذاری شده بود
۱۴۷	۱۳ درشت زبانی های شکسپیر برای عوام است و فلسفه یافی هایش برای ما بهتران
۱۵۹	۱۴ شکسپیر یک نمایشنامه نویس استراتفوردی بود

- ۱۵ شکسپیر یک سارق ادبی بود..... ۱۶۹
- ۱۶ ماجیز زیادی درباره‌ی شکسپیر نمی‌دانیم..... ۱۸۱
- ۱۷ شکسپیر در خلوت می‌نوشت..... ۱۹۳
- ۱۸ غزل‌واره‌های شکسپیر خودزندگی‌نامه‌ای هستند..... ۲۰۵
- ۱ اگر شکسپیر امروز بود، برای هالیوود می‌نوشت..... ۲۱۵
- ۲ شکسپیر با طرفان از صحنه خداحفاظی کرد..... ۲۲۳
- ۲۱ کشتی واکسین شکسپیر وسیع بود..... ۲۳۵
- ۲۲ نمایشنامه‌های شکسپیر تعلق زمانی ندارند..... ۲۴۷
- ۲۳ مکبث برای تشریح خود، بیمار نیست..... ۲۵۹
- ۲۴ شکسپیر، نمایشنامه‌اش را ویرایش نمی‌کرد..... ۲۶۹
- ۲۵ مردان جوان به جای زنان ایفای نقش می‌کردند..... ۲۸۱
- ۲۶ نمایشنامه‌های شکسپیر برای ساخت فیلم مناسب نیستند..... ۲۹۱
- ۲۷ مجموعه‌ی یوریک واقعی بود..... ۳۰۳
- ۲۸ ملکه الیزابت شیفته‌ی نمایشنامه‌های شکسپیر بود..... ۳۱۷
- ۲۹ شخصیت‌های شکسپیر به آدم‌های واقعی شبیه‌اند..... ۳۲۷
- ۳۰ شکسپیر خالق آثار شکسپیر نبود..... ۳۳۹
- سخن آخر..... ۳۴۹

این کتاب بر آن است تا افسانه‌پردازی‌های ما درباره‌ی شکسپیر را به بوته‌ی نقد بگذارد. سؤال این است چرا به این پنداره‌ها افسانه می‌گوییم. گرایش ما به افسانه‌خواندن محتوای شکسپیر در فصل‌های این کتاب از آن روست که «افسانه» پیش‌زمینه‌ای است برای قده‌گویی و تدأیر کارکرد فرهنگی چنین داستان‌هایی تأکید می‌کند، نه بر درستی آن‌ها؛ زیرا افسانه ریشه در خاستگاه بخصوصی ندارد و بیشتر بر پایه‌ی باورهای پذیرفته‌شده استوار است و نیز به این دلیل که افسانه بیش از آنکه از فکر آدم‌هایی که آن را باور یا خلق می‌کنند یا به آن نیاز دارند، نشئت گرفته باشد، به ماجرای داستان‌ها برمی‌گردد. تمام افسانه‌ها ما غیر واقعی نیستند؛ با «افسانه» خواندن این ماجراها، بیش از آنکه بخوانیم آن‌ها را ابلهانه یا بی‌پایه بشماریم یا دریابیم که روی فهم ما از نوشته‌های شکسپیر چه تأثیری دارند، سر آن داریم که به علل تحسّم یافتن و تثبیت آن‌ها در طول زمان پی ببریم.

کتاب تاریخ مختصر اسطوره (۲۰۰۵)، نوشته‌ی کارن آرمسترانگ دربرگیرنده‌ی مشاهدات تأثیرگذاری است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم. افسانه‌ها خاصیتی پویا دارند: در گذر زمان تغییر می‌کنند، با پیشرفت‌های فرهنگی و تاریخی هماهنگ می‌شوند، افزوده و کاسته می‌شوند و تناقض‌هایشان رفع یا انباشته می‌شود. افسانه‌ها صحت تاریخی ندارند؛ براساس حقایق پیش نمی‌روند و معنای رخدادها را بر فعل وقوعشان ترجیح می‌دهند. افسانه قرار است تأثیرگذار باشد،

نه مستند. افسانه آنچه را که از حوزه‌ی آگاهی ما خارج است، توضیح می‌دهد و به این ترتیب خیالمان را آسوده می‌کند. افسانه‌ها در زمان‌های گوناگون هدف‌های مختلفی دارند و به این طریق به تاریخ ملی، مذهبی و سیاسی یک فرهنگ راه پیدا می‌کنند. آرمنسترانگ در ضمن، اصرار دارد که انسان‌ها موجوداتی افسانه‌جو هستند. این یعنی ما اساساً موجوداتی هستیم که به داستان گرایش داریم. افسانه ترجمه‌ی فارسی myth و ریشه‌ی یونانی آن *muthos* به معنای چیزی است که گفته شده است؛ خود: سخن، روایت، داستان یا پیرنگ. از اینجا به بعد، افسانه را مجموعی از باورها (شخصی یا عمومی) می‌پنداریم.

و فوراً افسانه‌ها را شکسپیری تا حدی حاصل خاطرات نصفه‌نیمه و دانش منقضی دوران مدرسه است، زیرا به شخص شکسپیر یک دارایی فرهنگی پر جذبه و قرار است و نیز به این خاطر که مطالبه‌هایی که در مطالعات شکسپیری صورت می‌گیرد - خصوصاً در بخش‌های مربوط به زندگی نامه و تئاتر - سروصدای خبری به پا می‌کنند. گواه این مدعا بخش «مسئله‌ی نویسنده‌گی» (به افسانه‌ی شماره‌ی ۳۰ رجوع کنید) یا گمانه‌زنی درباره‌ی باورهای تئاتر و ایلان جنسی شکسپیر است (به افسانه‌های شماره‌ی ۷ و ۱۸ رجوع کنید). اگر بخوانیم مسئله را ساده عنوان کنیم، دلیل نقل چندین و چندباره‌ی افسانه‌های شکسپیر این است که هیچ نویسنده‌ی دیگری به اندازه‌ی او برای دنیا اهمیت ندارد. جالب این است که هیچ شکسپیر در آلمان قرن نوزدهم، قبل از انگلیس، رو به رشد نهاد و به نیز پیش از انگلیس، دارای جامعه‌ی شکسپیرشناسی بود و در عین حال آثار شکسپیر به‌طور متناوب در سطوح مبتدی و پیشرفته و در قالب ترجمه در سراسر جهان اجرا می‌شوند. شکسپیر صرفاً انگلیسی نیست (همان‌طور که آلمانی‌ها با گفتن عبارت «شکسپیر ما» این موضوع را تصدیق می‌کنند). در نتیجه افسانه‌های شکسپیری تا حدی داستان ساخته و پرداخته‌ی خودمان را نقل می‌کنند.

آن چنان که آرمسترانگ شرح می‌دهد، افسانه‌ها می‌توانند ساختگی و نادرست باشند. که بسیاری از افسانه‌های شکسپیری، نه تمام آن‌ها، چنین‌اند. اما اغلب اوقات آن‌ها به اشکالی مهم و افشاگرانه، دو مورد از تعاریف واژه‌ی Myth، از فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد را متجلی می‌سازند. تعریف اول عبارت است از:

یا «داستان سنتی که معمولاً شامل موجودات یا نیروهای فراطبیعی می‌بود، متضمن و تجلی بخش توضیح، ریشه‌یابی یا توجیه چیزی نظیر تاریخ اولیه‌ی یک جامعه، باور، آیین مذهبی یا پدیده‌ی طبیعی است.

با اینکه شکسپیر روح، دی «فراطبیعی» نیست، بسیاری از افسانه‌هایی که درباره‌ی آن‌ها بحث می‌کنیم، با هایی را تشریح می‌کنند که بسیار همه‌گیرند و در عین حال به بوته‌ی آرایش بدست نه شده‌اند؛ باورهایی درباره‌ی هنر، نویسندگی و ارزش‌های فرهنگی دومین تعریف واژه‌ی افسانه (Myth) از این قرار است: «درک متداولی از یک فرد یا شی که حقیقت آن اغراق می‌کند یا آن را به شکلی آرمانی به تصویر می‌کشد». بسیاری از افسانه‌های ما صرفاً همین هستند: ایده‌هایی متداول و اغلب تکرار شده که ریشه‌ای در عقاید دارند، اما بیش از حد بر شواهد موجود تأکید می‌کنند یا برای پرکردن جای خالی هستند، به گمانه‌زنی روی می‌آورند. اغلب اوقات پاسخی که برای سؤالات مربوط به شکسپیر داریم، باید حاکی از عدم اطمینان ما باشند اما افسانه‌ها به جای ابراز این عده اطمینان، «حقایق» تسلی بخش و مثبتی درباره‌ی موضوع فراهم می‌کنند. در این کتاب، ما تلاش می‌کنیم مشّت گره‌شده‌مان را باز و این پوشش تسلی بخش را رها کنیم، حتی اگر این کار نتیجه‌ای مغشوش‌کننده به بار بیاورد و در پی آن بفهمیم که از آنچه فکر می‌کردیم، کمتر می‌دانیم.

کتاب پیش روی شما، حاصل علاقه‌ی ما به کتابی مشابه در رشته‌ای متفاوت

است: پنجاه افسانه‌ی بزرگ درباره‌ی روان‌شناسی عمومی (۲۰۰۹).^۱ این کتاب دربرگیرنده‌ی مفاهیم کاربردی‌آشنایی مانند این هاست: گرایش متضاده‌ها به یکدیگر؛ استفاده‌ی صرفاً ۱۰ درصدی ما از قدرت مغزمان؛ افزایش هوش کودکان در اثر شنیدن موسیقی موتزارت؛ ابراز خشم از کنترل آن بهتر است. این افسانه‌ها به حقایق سنتی تبدیل شده‌اند؛ درواقع آن‌ها همان طوری که عناوین مثل گونه‌شان نشان می‌دهد، شکل ضرب‌المثل به خود گرفته‌اند. عنوان فرعی این کتاب، در هر شکسپیر، باورهای غلط رایج درباره‌ی رفتار انسان، پرده از هدف آن برمی‌دارد: افسانه‌ی شکسپیر را بر روضیح نویسندگان آمده است: «در این کتاب می‌کشیم به شما بیاموزیم نه در عرصه‌ی روان‌شناسی عمومی، حقیقت را از داستان بازشناسید و با مهارت‌های افسانه‌ی شکسپیر تا بتوانید ادعاهای روان‌شناسی را به طریقه‌ی علمی ارزیابی کنید.»^[۱] ما می‌توانیم پرسیدیم که کدام افسانه‌ها هستند که به همین طریق درک عمومی را از شکسپیر ایجاد کرده‌اند؟

پیش‌تر نیز کتابی در توضیح این موضوع نوشته شده است: آیا چیزهایی که درباره‌ی شکسپیر می‌گویند حقیقت دارند؟^[۲] نوشته‌ی استنلی ولز، دانش‌دایرةالمعارف وارولز در این کتاب بر آن است تا ۱۸۹ افسانه درباره‌ی زندگی و حرفه‌ی نویسندگی شکسپیر بپردازد. او در این کتاب، شایعات و افسانه‌هایی از قبیل «صوری بودن ازدواج شکسپیر»، «روابط او»، «مرگ او در اثر ملیس»، «اینکه او نمایشنامه‌ای به نام کاردنیو را نوشته است یا خیر»، «حین نوشتن شخصیت پراسپرو خودش را به تصویر کشیده است یا خیر» و «استفاده یا عدم استفاده‌ی او از دایره‌ی واژگانی که به شکلی استثنائی گسترده است» می‌پردازد. کتابی که ولز نوشته، درست مثل کتاب پنجاه افسانه‌ی بزرگ درباره‌ی روان‌شناسی عمومی، یک کتاب افسانه‌زد است. ولز مقوله‌های لازم را با چابکی اطمینان‌بخشی بررسی می‌کند و هر فصل را با یک حکم نهایی به پایان می‌رساند: «بعید است»، «شاید» و

«شک دارم». ما هم به بسیاری از مقوله‌هایی که ولز بررسی کرده می‌پردازیم، اما نه به این دلیل که با نتیجه‌گیری‌های او مخالفیم، بلکه به دلیل علاقه‌مان به مسائلی متفاوت. برای مثال وقتی سؤال «شکسپیر محبوب‌ترین نویسنده‌ی دوران خودش بود؟» را در نظر می‌گیریم، تمایل داریم توضیح دهیم که اصلاً چطور می‌شود شروع به ارزیابی چنین مقوله‌ای کرد، برای پیدا کردن شواهد لازم برای اثبات یا نقض این مسئله. «کجا باید مراجعه کرد یا اساساً چه چیزی را می‌توان در زمره‌ی «شواهد» قرار داد؟ پیراژ آثار؟ چاپ‌های مجدد؟ اشاراتی که به شکسپیر شده؟ میزان حضور و توجه مخاطبان» (اثار) به رسیدن به پاسخ بله یا خیر علاقه‌ای نداریم.

تعداد مقالات این کتاب - جلد ۳۰ در مقایسه با ۸۹ مقاله‌ی کتاب ولز یا ۵۰ مقاله‌ی کتاب روان‌شناسی - نشان‌دهنده‌ی تفاوت کانون توجه ماست. بسیاری از افسانه‌های ولز در قالب یک بنیاد یا تپه یک جمله خلاصه شده‌اند، ما برای هر یک از افسانه‌هایمان ۲۰۰۰ تا ۱۰۵۰۰ واژه در دست گرفته‌ایم که برابری این میزان با تعداد واژه‌های لازم برای نوشتن مقاله‌های دوران کارشناسی در دانشگاه (با مقالات روزنامه‌ها) تصادفی نیست. ما در مقام یک قلمرو دانشگاهی، به نوشتن فصل‌های ۸۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ واژه‌ای عادت داریم، اما در اینجا هدف این بود که ببینیم چه اطلاعاتی را می‌توان در مقاله‌ای کوتاه‌تر گنجاند. حدس می‌زنم داده‌ها را می‌توان در یک مقاله‌ی ۲۰۰۰ کلمه‌ای بسط داد (و اینکه چنین مقاله‌ای چه نتیجه‌ی مباحثاتی را می‌تواند پوشش دهد) و به‌طور خلاصه اینکه این مقاله چطور می‌تواند بدون غرقه شدن بیش از حد در جزئیات، شواهد موجود را پیگیری کند. نویسنده این کتاب بر این اساس، به‌واقع آموزنده بوده و امید است دانشجویان نیز بتوانند از خواندن مثال‌ها در قالبی که باید مباحثشان را در آن بنویسند، چیزی بیاموزند.

ضمن اینکه نمی‌خواهیم کتاب حاضر را به عنوان یک کتاب آموزش انشا معرفی کنیم، امیدواریم عموم مخاطبان و دوستداران شکسپیر به مطالب مطرح‌شده

علاقه نشان دهند و بتوانند از میان ایده‌های مشهور و غالباً متداول موجود درباره‌ی نمایشنامه‌ها، رویکردها و زوایا به حوزه‌هایی راه پیدا کنند که سابقه‌ی آشنایی چندانی با آنها ندارند. در هر فصل، تلاش ما در این راستاست که به تناقضات و اختلافات کارشناسانه رویکردی مستقل، به‌روز و یکپارچه داشته باشیم. رویکرد ما رویکردی پژوهشی است، نه توصیفی. ما می‌کوشیم که شواهد موجود برای هر دو طرف مباحثه را بررسی کنیم و ببینیم بحث‌ها چگونه مطرح شده یا ممکن است. مطالب سوند، در ضمن، ما به لحظاتی تاریخی که در آنها گمانه‌زنی‌های گذرا به حایقه جایی تبدیل شده‌اند، علاقه داریم و مهم‌تر از آن تلاش می‌کنیم تا جذابیت افسانه‌ها و قدس‌شان در جلب توجه طرفداران سینه‌چاک را درک کنیم. این کتاب به ارزیابی شواهدی که علیه افسانه‌ها می‌پردازد تا نشان دهد که مطالب و اطلاعات تاریخی - و که وادار به آن - چگونه می‌تواند به درستی یا به غلط تفسیر شود و طی این فرایند چه مطالبی را چرا به میزان اعتقاد شخصی ما به داستان‌هایی که درباره‌ی این شاعر ملی (و بین‌المللی) نقل می‌کنیم، بر ملا می‌سازند. هدف ما این نیست که از بالا و در مقام دانای دل به این داستان‌ها بنگریم؛ ما درست به اندازه‌ی تمام خواننده‌های شکسپیر درگیر در این فصل‌های موجود هستیم و در تلاش برای درک افسانه‌ها، خودمان هم ممکن است به اشتباهات پیش آن‌ها دامن زده باشیم. در اینجا لازم است قدردانی خود را از کسانی که توانندگان ناشناس آثار انتشارات وایلی - بلکول ابراز کنیم که ضمن اشاره به برخی از تناقضات ما را وادار به تصریح مواضعمان کرده است.

کانون توجه کتاب حاضر بر زندگی‌نامه‌ی شکسپیر است. زندگی‌نامه‌ی شکسپیر مزرعه‌ی پرشمی برای رویش افسانه‌هاست: از خاطره‌ی باطراوت شکار گوزن (که نیکو لاس روی در ابتدای قرن هجدهم آن را توصیف کرد) گرفته تا جزئیات فنی ازدواج او (به گواه دفترهای اسناد) و سال‌های گمشده (که شواهد و مدارکشان در

هیچ کجا موجود نیست). طبعاً پدیدآورندگان مجبور بوده‌اند برخی از این مثال‌ها را به کار بندند، اما در حد امکان سعی بر آن بوده تا بیشتر درباره‌ی خود نمایشنامه‌ها و شعرها بحث شود. با وجود اینکه در اکثر افسانه‌ها لایه‌هایی از تفسیر اضافی مشهود است - و پا از توضیحات ارائه‌شده‌ی کارشناسان دوران الیزابت فراتر گذارده شده - صرف خواندن آثار شکسپیر می‌تواند از میان بخشی از این پرگویی‌های روایی بماند؛ اما در تحلیل گفته‌ها و نوشته‌های شکسپیر هنوز هم قطعیت چندان وجود ندارد. برای مثال ما هرگز نخواهیم فهمید که عملکرد اجرایی گروه بازیگران شکسپیر چه بود، زیرا «واقع‌گرایی» مفهومی نسبی است یا اینکه هرگز نمی‌توانیم بدانیم که در به‌ی تماشای نمایش شب دوازدهم در سال ۱۶۰۱ چگونه بوده است، اما سعی می‌کنیم راه‌هایی پیشنهاد کنیم که از طریق آن‌ها اجراهای جدید - که می‌توان آن‌ها را تئاتر جدید نامید - در از شناساندن آثار شکسپیر (به‌جای را در اجرای این نمایشنامه‌ها به‌سبب در از شناساندن آثار شکسپیر) به‌جای عقاید شخصی یا زندگی خصوصی‌اش (که به‌سبب پرت‌ترین و برانگیزنده‌ترین قلمرو موجود جهت ارائه‌ی تفسیرهای متعدد سعی پیدا می‌کنند) آورندگان بر این است که راه‌هایی پیشنهاد کنند که به‌واسطه‌ی آن‌ها استقرار آن‌ها از معانی گوناگون این متن‌های پیچیده، مطابق با ضوابط خاص خودشان، امکان‌پذیر شود.

در این کتاب، هر یک از افسانه‌های یک داستان کامل و مستقل در طار گرفته شده است (و این کار حتی زمانی که سعی بر به‌کمینه‌رساندن تکرار بوده، ادامه یافته است). با آگاهی از این نکته که نثرهای دانشگاهی آب‌دیده، اغلب بر زمین روشنگری باعث سردرگمی مخاطب می‌شوند، مطالب تا حد امکان به‌شکلی خوانا بیان شده‌اند تا مخاطب در تار درهم‌تنیده‌ای از گفته‌ها اسیر نشود. در ضمن، برای انجام بررسی‌های بیشتر، مراجع متعدد و هدفمندی به خواننده‌ها پیشنهاد می‌شود. امید است که برآیند این مقاله‌ها مجموعه‌ای از «مهارت‌های افسانه‌زدایی»

را، آن گونه که در نمونه‌ی کتاب روان‌شناسی موجود است، به خواننده‌ها عرضه کند تا بتوانند این مهارت‌ها را برای انتقاد از فرضیات و نقاط کور موجود در کتاب حاضر به کار گیرند.

برای تمام نقل قول‌های شکسپیر از نسخه‌ی آکسفورد، به ویراست استنلی ولز (گروه ویراست دوم، آکسفورد: Clarendon, ۲۰۰۵) استفاده کرده‌ایم. در جایی که آکسفورد، دو متن از شاه لیر را استفاده کرده (تاریخ شاه لیر و تراژدی شاه لیر) ما از متن تراژدی کمک گرفته‌ایم، مگر اینکه به منبع دیگری ارجاع داده شود. همچنین برای نقل قول‌های نامدوّن شکسپیر از سایت <http://www.bl.uk/treasures/shakespeare/homepage.html>، رونوشت تهیه کرده‌ایم. در ضمن اسامی سایر متون متعلق به دوران رنسانس نیز به روز شده است.

این کتاب به یکی از موفق‌ترین پژوهشگران اسامی، نه‌های شکسپیری، خانم کاترین دانکن- جونز تقدیم می‌شود. از او انتظار داریم که با تمام مباحث مطرح شده موافقت کند، اما مایلیم بگوییم که تفکرمان در این کتاب با در سایر مواقع به واسطه‌ی حضور او در طول سالیان متوالی پراگندگی شده، شکل گرفته است.

داری مگوایر

امسا اسمیت

آکسفورد، ۲۰۱۲

پی‌نوشت:

[۱]. Scott Lilienfeld, Steven Lynn, John Ruscio, and Barry Beyerstein, *Fifty Great Myths of Popular Psychology. Shattering Widespread Misconceptions about Human Behavior* (Oxford: Wiley-Blackwell, 2009), p. 3.

[۲]. Stanley Wells, *Is It True What They Say about Shakespeare?* (Ebrington, Glas.: Long Barn Books, no date).